

**Predigt am 19. Sonntag nach Trinitatis, 18.10.2020,  
Erlöserkirche Düsseldorf (SELK)  
Pfr. Gerhard Triebe**

**Epheser 4,22-32:**

افسیان باب ۴ آیات ۲۲ الی ۳۲

۲۲ تا آنکه شما از جهت رفتار گذشته خود، انسانیت کهنه را که از شهوات فریبنده فاسد می‌گردد، از خود بیرون کنید.

۲۳ و به روح ذهن خود تازه شوید.

۲۴ و انسانیت تازه را که به صورت خدا در عدالت و قدوسیت حقیقی آفریده شده است بپوشید.

۲۵ لهذا دروغ را ترک کرده، هرکس با همسایه خود راست بگوید، زیرا که ما اعضای یکدیگریم.

۲۶ خشم بگیرید و گناه مورزید؛ خورشید بر غیظ شما غروب نکند.

۲۷ ابلیس را مجال ندهید.

۲۸ دزد دیگر دزدی نکند، بلکه به دستهای خود کار نیکو کرده، زحمت بکشد تا بتواند نیازمندی را چیزی دهد.

۲۹ هیچ سخن بد از دهان شما بیرون نیاید، بلکه آنچه بحسب حاجت و برای بنا نیکو باشد تا شنوندگان را فیض رساند.

۳۰ و روح قدوس خدا را که به او تا روز رستگاری مختوم شده‌اید، محزون مسازید.

۳۱ و هر قسم تلخی و غیظ و خشم و فریاد و بدگویی و خباثت را از خود دور کنید،

۳۲ و با یکدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است.

**اعضای عزیز** ، خصوصاً مینای عزیز، موناوی عزیز ، فرشادعزیز ، سارای عزیز و لیانای عزیز ، نمی دانم که آیا همه در تعمیم متوجه این موضوع شده اند: شما لباس کاملاً نویی پوشیده اید! هنگامی که شما تعمیم یافتید ، لباس جدیدی را روی لباسهای قبلی خود که برای پرستش به اینجا آمده اید ، پوشیدید . این نامرئی است و غیر قابل دیدن ، اما بسیار گرانبها و ارزشمند است. ماده تشکیل دهنده این لباس فوق العاده "خون و عدل مسیح" است. این ماده با هیچ پولی روی زمین قابل خریدن نیست. اما خدا این لباس را - در تعمیمدمان - بدون پرداخت هیچ گونه وجهی به ما هدیه داد. با این لباس ، خدا ما را با عشق خود در برگرفته است ، و هر آنچه را که در کنار و حضور او بودن را برای ما غیر ممکن می کرد از سر راهمان برداشته و همه آنچه را که برای شرکت در این جشن و پایکوبی شگرف با او نیاز داریم برای ما سخاوتمندانه فراهم ساخته است . ما قبلاً کارت ورود به این جشن را در اختیار داریم و اصطلاحاً لباس های رسمی ما نیز آماده هستند. ما واقعاً می توانیم این لباس ها را بپوشیم و مشتاقانه منتظر این جشن باشیم.

در مورد همه ما اینگونه بود. برخی نیز وقتی لباس غسل تعمیم را برای فرزندشان به هنگام تعمیم می آورند ، این حرف را اذعان می کنند. این در بعضی از خانواده ها یک سنت است و ما قبلاً اینجا آن را دیده ایم. در

گذشته گاهی این لباس برای مراسم غسل تعمید فرزند از تور عروس درست می شد. بعضی اوقات در خانواده این لباس از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. چنین لباس عروسی معمولاً سفید است و پس از تعمید بر تن کودک کرده می شود. کنشیش می گوید: "ردای سفید را به عنوان نمادی از درستی و پاکی مسیح در نظر بگیرید."

در رساله یکشنبه امروز ، پولس رسول ما مسیحیان را رهنمود می کند: "انسان جدیدی را ببوشید که به صورت خدا در درستی و قداست واقعی آفریده شده است" (آیه ۲۴). اگر این لباس قبلاً در تعمید ما به تن شده است ، چرا دوباره یادآوری ؟ زیرا همانطور که در کلاس تعمید توضیح دادم ، غسل تعمید آغاز یک سفر است. همچنین در کتاب مقدس بارها و بارها به عنوان تولدی تازه توصیف شده است. زندگی جدیدی در اینجا آغاز شده است. غسل تعمید پایان این نیست که ما دیگر مسیحی شدیم و تمام ، بلکه آغاز آن است. حتی اگر کلاس تعمید در روز جمعه به پایان برسد ، پیشرفت نباید اکنون متوقف شود ، بلکه ادامه یابد. همه ما باید به مسیحیانی کامل و کامل تر تبدیل شویم که بهتر و بهتر می دانند که خدا برای ما چه می خواهد و اینکه چگونه باید زندگی خود را به عنوان مسیحی اداره کنیم. لباسهای تعمیدی که به بعضی از نوزادان هنگام تعمید پوشانیده می شود ، با گذشت زمان برای آنها بسیار کوچک می شود. و بیشتر ، وقتی کودک مهد کودک را شروع می کند ، دیگر مناسب نیست. برای برخی از مسیحیان ، لباس نامرئی ایمان آنها در طول زندگی بیش از حد تنگ می شود. آنها فقط زندگی جدید را با خدا به عنوان جزئی از قوانین درک می کنند که شیوه زندگی آنها را محدود می کند. از نظر یک کودک شاید همه چیز درست باشد - اما به نظر می رسد در بزرگسالی ، شما باید با واقعیت های کاملاً متفاوتی روبرو شوید. در زندگی کاری ، با مشکلات زندگی روزمره ، با خواسته های گوناگون زندگی خانوادگی ، دیگر جایی برای به اصطلاح "خدای عزیز" وجود ندارد ، داشتن رویای داشتن دنیایی که در آن کمک کردن ، مهربانی ، عطف و بخشش حاکم است ، ممکن نیست . و بنابراین ممکن است بعضی ها موهبت تعمید و اعتقاد به اینکه شاید آنها به همین راحتی هنوز هم راه را گم نکرده اند را دوست داشته باشند - اما همه اینها در زندگی مثل لباس هایی است که دیگر مناسب نیست: همه ی اینها خاطراتی مربوط به قبل می باشند که اکنون این ها همه تمام شده و به پایان رسیده است .

از این رو رسول ما را نصیحت می کند : "انسان جدیدی را ببوشان که در صورت خدا در درستی و قداست واقعی آفریده شده است." . این لباس گرانبها و شگرفی که در هنگام تعمید به ما هدیه داده شده و به ما پوشانیده شده است ، نباید فقط چیزی برای روزهای کودکی یا اوقات خاص باشد. این باید بیشتر و بیشتر از لباس های روزمره مورد استفاده قرار گیرد . با چیزهایی که حاصل دوخت و دوز خودمان است دوست نداریم در بین مردم ظاهر شویم . این لباس می بایست ، شیک و مدرن باشد ، با وسواس کار کنیم ، برای رسیدن به آنچه که می خواهیم و آن را حق خود می دانیم . حتی برای آن می جنگیم و تلاش می کنیم تا به طور قطع به آنچه که می خواهیم برسیم . اما در دراز مدت در بحران های زندگی ما ، در مبارزه روزمره برای هستی و در اعتیاد سیری ناپذیر برای عشق و خوشبختی ، حتی برای نجات ، این ها ما را پشتیبانی و محافظت نمی کند. این کار ها باعث نمی شود که ما جلوی خدا هم خوب و عالی به نظر برسیم.

همه می خواهند زیبا به نظر برسند. اما هر کسی که باید بدون وقفه برای آن بجنگد ، ترس ، او را رهبری می کند و او بارها و بارها این مسئله را تجربه می کند که در این مبارزه خودش و دیگران را نابود می سازد . بنابراین پند و اندرز رسول با لذت کینه جویانه نیست ، بلکه انسانی است که می نویسد: «انسان قدیم را که در راه قبلی ات که با خواسته های فریبکارانه ، باعث ویرانی ات شده کنار بگذار. اما خود را در روح و ذهن تجدید کنید و انسان جدیدی را که در صورت خدا در درستی و قداست واقعی خلق شده است ، بر تن کنید. هنگامی که در جامه ی عشق مسیح ایمن شدیم ، مجبور نیستیم دائماً برای احقاق حقوق ، خوشبختی و شناخت خود بجنگیم. ما اینجا پر شکوه می ایستیم ؛ ممکن است که همکارانمان سر کار اینگونه برداشت نکنند. ولی ما در اینجا باشکوه می ایستیم . و به خود جرات می دهیم که چنین بگوییم - "رئیس" ما ، تمام توجهش معطوف به ماست . او از ارزش این کمد لباس آگاه است - زیرا در نهایت او خود هزینه این لباس را پرداخته

آنها به بهایی گزاف! دیگر لازم نیست نگران اعتبار و جایگاه خودم باشم. مجهز به این لباس دوخته شده توسط سرور این خانه، حتی کسانی که با گرانترین لباس های مارک با من روبرومی شوند، نمی توانند من را شرمنده و خجالت زده کنند. بیش از این، دیگر نیازی به این ندارم که خودم برای خودم در مقابل دیگران و حتی ریسم لباس احترام بدوزم، ندارم.

بنابراین می توانم متفاوت حرکت کنم - آزادتر، آرام تر، شادتر. من می توانم صالح باشم زیرا برای اینکه بزرگتر ظاهر شوم لازم نیست دیگران را کوچک شمرده یا خطاها و ضعف های خودم را پنهان کنم. در هر صورت مسیح من را در برگرفته و همراهی می کند، حتی اگر علیه من صحبت کنند.

من همچنین می توانم به طور متفاوتی با خشم کنار بیایم. اتفاقاً، پولس در اینجا در مورد این واقعیت صحبت نمی کند که مسیحیان به هیچ وجه نباید عصبانی شوند. یک بار از عصبانیت جوش آوردن، گناه نیست، خصوصاً در مواردی که ناراحتی ما منطقی و درست باشد. خداوند خود نیز عصبانی می گردد - ولی عصبانیتش با سر و صدا نیست. او اجازه نمی دهد که این عصبانیت به سمت نفرت سوق داده شود. و یک چیز دیگر: او کینه و تلخی خود را پرورش نمی دهد. با هم برای اینکه بتوانید هر زمان بگویید: "من با افراد خوب هستم. او دلایل زیادی برای عصبانی شدن دارد ولی او می بخشد - ما هم می توانیم بگوییم که من دلایل زیادی برای عصبانی شدن دارم ولی در مقابل بخشش خدارا برای دیگران می بینیم: من از او متشکرم! به همین دلیل است که ما نیز باید - همانطور که رسول می گوید - "اجازه ندهیم آتش خشم ما شعله ور شود." اگر قبل از خواب اتفاقاتی که در طی روز بر ایمان افتاده را با خدا در میان بگذاریم، نه تنها می توانیم از او به خاطر آنچه به ما داده سپاسگزار باشیم. همچنین می توانیم آنچه را که به ما آسیب رسانده و باعث عصبانیت و نگرانی ما شده، به او تحویل دهیم.

به هر حال: اگر من "چیزی به روز دیگر یا حتی هفته ها" به دیگری اضافه کنم، چه کسی می تواند این بار را تحمل کند؟ شاید دیگران از این موهبت خبر نداشته باشند اما من! می دانم که خداوند تمام بارها را از دوش من برداشته و کوله بار مرا سبک ساخته است. لازم نیست خودم همیشه آزار داده و مرتباً دیگران را سرزنش کنم. قبل از به خواب رفتن یا قبل از فراق، می توانم در آشتی دست خود را به سوی دیگری دراز کنم، زیرا می دانم: من بخاطر اینکه حق با من است زندگی نمی کنم، بلکه واقعیت این است که خداوند اجازه داده قانون او در مورد من اعمال نشود و من، تاوان گناهان و اشتباهات خود را نمی دهم. بلکه این یادآوری این بهترین سلاح در برابر همه تلخی ها و کینه ها، در برابر طغیان عصبانیت در خود و واکنش ما به موارد مشابه دیگر است. در جایی که صلح خدا فضای اتاق را پر کرده باشد، قدرت های ضد الهی دیگر جایی برای ما ندارند.

در لباس جدید پوشیده شده، می توانم کار خود را متفاوت انجام دهم. "هرکسی که قبلاً دزدی می کرده به موهبت این لباس جدید دیگر دزدی نمی کند، بلکه کار می کند و وسایل مورد نیاز خود را با دسترنج خود تهیه می کند تا بتواند آن را به نیازمندان بدهد." من نیازی به این ندارم که خود را در مقابل همکاران یا دیگران مطرح کنم، اما می توانم خودم را وقف افراد دیگر کرده و به آنها کمک کنم - و این می تواند از طریق پولی که به دست می آورم باشد. و از طرف دیگر، نیازی نیست که کار خود را بیش از حد بزرگ جلوه دهم و بگذارم غرور مرا اسیر کند، گویی که نجات جهان به تعهد و موفقیت من بستگی دارد.

در کت و شلوار جدیدی که مسیح با تعمیم به ما داد، بالاخره در رفتارهای روزمره با همو عانم متفاوت عمل خواهم کرد. برای بدست آوردن تشویق و تأیید مخاطبانم نیازی نیست که آنها را حقیر کنند و با خشم در مورد آنها صحبت بکنم و آنها از این بترسند که مبادا من درباره آنها چیزی به دیگران گفته باشم. و به این فکر باشم که آیا متوجه شده که من در مورد او با دیگران صحبت کرده ام و از این مورد ترسیده است؟ "حرافی و وراچی فاسد و بی محتوا"، این نیمه دیگری از حقیقت است که نشانه بی عشقی و تنفر است و جو نسبت به دیگران مسموم می سازد. هر کجا که اینگونه با یکدیگر یا در مورد یکدیگر صحبت کنند، هر هرگونه

گفتگویی به خاطر بی ارتباطی و دور از هم بودن می میرد. من اصلاً به چنین تشویقی احتیاج ندارم. من شناخته شده و مورد توجه قرار گرفته شده ام. و این چقدر خوب است که دیگری بداند: اینجا کسی است که "درباره من چیزهای خوبی می گوید و همه چیز را به بهترین شکل تبدیل می کند"، همانطور که مارتین لوتر در فرمان هشتم خود در مورد این موضوع گفته است. طبق این فرمان من می توانم در یک فضای دوستانه همکاری کنم، و به این واسطه چه کارهای خوبی می توانم انجام دهم و چه برکاتی به این واسطه در این فضا به وجود می آید.

آیا همه اینها راحتتر از انجام کارهای قبل نیست؟ "بله!" من باید در جواب بگویم که پنجاهای رسول را به عنوان دعوت به خود انضباطی بیشتر متوجه می شوم. اما نباید از این پندها دچار سوءتفاهم بشوم. اینکه گفتن راحت تر از عمل کردن است، این که وقتی کارهایم را خودم تنظیم کرده ام فکر کنم که تمامی کارهایم با عملکرد درست و خوبی است، این گفته دیگر صدق نمی کند، اما در عوض وقتی دیگر فقط متکی به خود و توانایی های خودم نباشم، و خودم را در جامه عشق خدا پنهان می کنم، و به این گفته که از منیت خود دور شوید، از منیت خود دور شوید، "به من - به مسیح" اعتماد کنید. با او همه اینها نه تنها گفته شده، بلکه قبلاً نیز انجام شده است. و هر کجا که خودم را در جبهه او قرار دهم - خواه در برخورد با ضعف ها و اشتباهات خودم، با عصبانیتیم، در کارم یا در برخورد با افراد اطرافم - اراده او انجام خواهد شد - همراه با من مثل بهشت. آمین

پروردگارا، ما به تو اعتراف می کنیم که اغلب به دنبال تحقق رویاهای زندگی خود در جاهای دیگر غیر از تو بوده ایم، و از تو می خواهیم: ما را بار دیگر در ردای عشق خود ببیچان و بگذار تا به عنوان افراد جدید و در کنار تو در امان باشیم.